گزارش

عراقچی: بدون غنی‌سازی توافقی نداریم

ادامه از صفحه ۲

وی ادامه داد: اگر مذاکراتی شکل بگیرد با توجه به شرایط ذکرشده، این مذاکرات فقط در مورد موضوع هسته‌ای خواهد بود، موضوع دیگری مشمول مذاکره نمی‌شود. عراقچی ادامه داد: ایران توانمندی‌های خود به‌خصوص توانمندی نظامی‌اش را در هر شرایطی حفظ می‌کند و در جنگ اخیر به خوبی قدرت نظامی خود را نشان داد و این توانمندی موضوع هیچ مذاکره‌ای نخواهد بود.

سلاح هسته‌ای را غیرانسانی و غیراسلامی نیز می‌دانیم

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود در این نشست گفت: بیش از ۲۰ سال است که جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند که صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای خود را به کشورهایی که در این زمینه نگرانی دارند، ثابت کند و ما هر مسیری بوده، رفته‌ایم تا ثابت کنیم که برنامه هسته‌ای ایران بر اساس فتوای مقام معظم رهبری صلح‌آمیز است و صلح‌آمیز خواهد بود و اگر ما قصدی برای حرکت به سمت سلاح هسته‌ای داشتیم، پیش از این انجام داده بودیم یا شاید الان بهترین بهانه را داشتیم، ولی ما به اصولی پایبند هستیم که برگرفته از اعتقادات اسلامی و انسانی ماست، ما سلاح هسته‌ای را نه تنها غیرانسانی می‌دانیم بلکه بر اساس تعالیم اسلام و فتوای مقام معظم رهبری غیراسلامی نیز می‌دانیم.

همواره آماده گفت‌وگو درخصوص برنامه هسته‌ای خود بوده‌ایم

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه «ما همواره آماده گفت‌وگو درخصوص برنامه هسته‌ای خود بوده‌ایم و در آینده هم خواهیم بود» گفت: ولی طبیعی است که باید این اطمینان حاصل شود که اگر مذاکراتی دوباره شروع شود توسط آمریکا یا کشورهای دیگری به جنگ کشیده نمی‌شود.

آمریکایی‌ها به دیپلماسی و میز مذاکره خیانت کردند

وی خطاب به حضار خاطرنشان کرد: همان‌طورکه می‌دانید ما در حال مذاکره بودیم که اسرائیل با هماهنگی آمریکا به ایران حمله کرد و در مرحله بعد خود آمریکا، مستقیم تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار داد، آمریکایی‌ها به دیپلماسی و میز مذاکره خیانت کردند و اگر اکنون به دنبال ازسرگیری مذاکرات هستند، باید این اطمینان حاصل شود که مجددا چنین کاری صورت نخواهد گرفت و ما شاهده این‌گونه اقدامات از سوی آنها نخواهیم بود.

برنامه هسته‌ای ایران از طریق بمباران و حمله نظامی از بین نمی‌رود

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد: آمریکایی‌ها با حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، رسیدن به یک راه‌حل مذاکره‌شده را سخت‌تر و پیچیده‌تر کردند، در صورتی که از روز اول همه معتقد بودند برنامه هسته‌ای ایران راه‌حل نظامی ندارد و بعد از حمله اخیر نیز بار دیگر ثابت شد که راه‌حل نظامی وجود ندارد. برنامه هسته‌ای ایران از طریق بمباران و حمله نظامی از بین نمی‌رود و یک دلیل ساده دارد و آن این است که ایران تکنولوژی و علم این موضوع را به دست آورده است و این علم را نمی‌توان از طریق بمباران از بین برد، اما برای اطمینان از صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران، امکان رسیدن به یک راه‌حل مذاکراتی وجود دارد. همان‌طورکه در گذشته از جمله در سال ۲۰۱۵ شاهد آن بودیم، توافقی که در سال ۲۰۱۵ به وجود آمد نتیجه دیپلماسی بود و تمام دنیا نتیجه این دیپلماسی را جشن گرفت و پذیرفت که دیپلماسی کارساز است و می‌تواند مشکلات بسیار پیچیده را حل کند.

۵ زندانی اوین در بین شهدا

ادامه از صفحه ۲

سخنگوی قوه قضائیه درباره اینکه دستگاه قضا چه پیگیری‌هایی درخصوص حمله اسرائیل به افراد غیرنظامی داشته است؟ گفت: رژیم صهیونی در جریان حملات ۱۲روزه بسیاری از قواعد مسلم حقوق بین‌الملل را نقض کرد. این رژیم در حوزه‌هایی نظیر حقوق بین‌الملل توسل به زور، حقوق بین‌الملل بشر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق حاکم بر کنترل تسلیحات، حقوق بین‌الملل هوا فضا و...، همه این موارد را نقض کرده است. این رژیم با نقض آشکار قاعده منع تهدید و توسل به زور که مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد است، مرتکب جنایت تجاوز تعریف‌شده در قطع‌نامه مذکور شده و این جنایت تجاوز ارضی در کنار جرم جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی، یکی از جنایات تحت صلاحیت موضوعی دیوان بین‌المللی کیفری است. وی در پاسخ به این سؤال مبنی بر اینکه آیا محکومان دانه‌درشت اقتصادی هم‌زمان با حمله اسرائیل به ایران از زندان آزاد شده یا به مرخصی رفته‌اند و کسانی که مرخصی رفته‌اند بازنگشته‌اند؟ گفت: یکی از اقدامات مهم دستگاه قضائی در شرایط ویژه این است که نسبت به بخش‌های مختلف اتخاذ تدبیر کند و از آنجایی که در مرحله شروع این جنگ برای خیلی از خانواده زندانیان ایجاد نگرانی شده بود، دستگاه قضائی طی دستورالعملی که صادر کرد با دستور به اصطلاح در نظر گرفتن اینکه افرادی که بیرون‌بودنشان ضرری برای جامعه ندارد و امنیت جامعه را به خطر نمی‌اندازد و از شرایط لازم برای مرخصی برخوردار هستند، به مرخصی بروند که در این خصوص هم تعداد قابل توجهی مشمول مرخصی شدند. پس کسانی که مشمول مرخصی شدند بدون ملاحظه اینکه به اصطلاح چه نامی داشتند یا چه شرایطی داشتند، می‌توانستند از مرخصی استفاده کنند.

افرادی که لازم بوده در زندان باشند، کماکان در زندان هستند

وی افزود: شایعاتی هم که مقرون به صحت نیست، وجود دارد که برخی زندانیان به مرخصی رفتند و برنگشتند. افرادی که لازم بوده در زندان باشند، کماکان در زندان به سر می‌برند. فقط کسانی که مستحق مرخصی بودند به آنها مرخصی داده شده است. وی افزود: هم به زندانیان و هم به خانواده زندانیان تأکید می‌کنیم که حتما کسانی که در مرخصی هستند و از این لطف نظام دارند استفاده می‌کنند که در شرایط خاص در کنار خانواده‌هاشان باشند، باید مراقب خودشان و خانواده‌هاشان باشند و خانواده‌ها مراقب این افراد باشند که در زمان مرخصی مرتکب خطا و تخلفی نشوند تا امکان ادامه این ارفاقات در آینده هم وجود داشته باشد. از طرف دیگر در صورتی که خدایی نکرده کسی در ایام مرخصی مرتکب تخلفی شود، علاوه بر اینکه به این تخلفش رسیدگی خواهد شد، از ارفاقات آتی هم محروم خواهد شد. سخنگوی قوه قضائیه درخصوص آخرین وضعیت پرونده انفجار در بندر شهید رجایی، گفت: در نشست ۱۹ خرداد سال جاری با حضور معاونان بیمه مرکزی، مدیران ارشد شرکت‌های بیمه استان هرمزگان، جمعی از تجار خسارت‌دیده، رئیس کل دادگستری، دادستان استان و معاون استاندار، وضعیت پرداخت خسارت‌ها بررسی شد. جهانگیر افزود: دیه پرداختی به ۵۸ نفر از متوفیان این حادثه که پیش‌تر ۴۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان بود، هم‌اکنون به ۹۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است. وی در ادامه به خسارت خودروهای آسیب‌دیده اشاره کرد و گفت: از مجموع هزار و ۵۸۷ خودروی زیان‌دیده، هزار و ۴۲۹ دستگاه خودرو سبک و ۱۵۸ دستگاه خودرو سنگین بودند که حدود ۹۰ درصد خودروهای سبک و ۱۰ درصد خودروهای سنگین خسارت آنها تأیید شده و مبلغ ۹۷ میلیارد و ۸۱ میلیون تومان خسارت پرداخت شده است. سخنگوی قوه قضائیه خاطرنشان کرد: خسارت ۵۵۱ خودروی فاقد بیمه نیز پرداخت شده و در مجموع، خسارت هزار و ۵۷۷ خودرو ارزیابی و تسویه شده است. وی در ادامه به بیمه‌نامه‌های مرتبط اشاره کرد و گفت: از ۲۱ شرکت بیمه، حدود ۵۰۰ بیمه‌نامه معتبر و ۴۰۰ مورد با سقف پوشش‌های متفاوت وجود داشته که تلاش می‌شود حتی بیمه‌نامه‌های منقضی نیز پوشش داده شود تا جبران خسارت صورت گیرد.

از خاکستر جنگ تا افق نو

ادامه در صفحه ۵

علی‌رغم نکات شما، این سؤال برای من بسیار پررنگ و در عین حال مبهم است که با خردگرایی چگونه می‌توان موضوع تقابل با دشمن صهیونیستی و آمریکا را ذیل مقوله تغییر پارادایم تعریف یا بازتعریف کرد؟ آیا آن‌گونه که برخی معتقدند، این گزاره را باید کم‌رنگ‌تر کرد؟

ببینید، موضوع تقابل با رژیم صهیونیستی می‌تواند در قالب یک عقلانیت، هوشمندی و انعطاف سیاسی-دیپلماتیک مبتنی بر منافع ملی باز تعریف شود. اتفاقا این نوع تقابل عقلایی به نظر من بسیار کارآمدتر از نوع مواجهه آرمان‌گرایانه است و نتیجه بهتری نسبت به تقابل نظامی با صهیونیست‌ها و متجاوزان دارد؛ اما به شرطی که ما هوشمندانه و درست عمل کنیم. لذا من نیاز به این نوسازی و پیگیری نگاه تازه را اکنون ضروری می‌دانم؛ چون با این نگاه تازه می‌توانیم تهدیدهای فعلی را به سمت فرصت‌های جدید سوق دهیم که یقینا فضا برای مانور دشمن صهیونیستی بسیار محدود خواهد شد. ولی ابتدا باید مرزهای واقعی خودمان را دوباره بازشناسی و بازتعریف کنیم.

یعنی چه؟

یعنی اینکه ما باید مشخص کنیم که در منطقه، چه مرزی برای خود قائل هستیم و روی آن مرزها قاطعانه بایستیم. در عین حال باید به نحوی عمل کنیم که آسیب‌پذیر نباشیم و ضعفی از خود نشان ندهیم. این هنر بسیار زیاد و هوشمندی بالایی می‌خواهد که بتوانیم در این مرز باریک به نحوی حرکت کنیم که هم مرزها را به‌درستی شناسایی کنیم و هم ضعفی از خود بروز ندهیم.

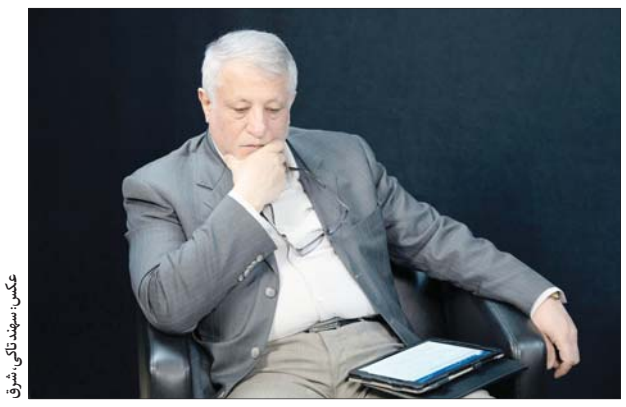

عکس: سهند نائی، شرق

این را هم بپرسم که در بخشی از تحلیل خودتان به امکان تکرار شرارت‌ها علیه ایران اشاره کرده بودید. آیا از منظر محسن هاشمی باید آماده حمله مجدد و جنگ دیگری از جانب صهیونیست‌ها باشیم؟ یعنی شما هم قائل به ادامه تجاوزات هستید؟

به هر حال طرف مقابل یک رژیم متجاوز است که همواره به دنبال جنگ و ناامن‌سازی در منطقه بوده و اینجاست که به نظر من دیپلماسی هوشمندانه، عقلایی و مبتنی بر منافع ملی می‌تواند به شکل جدی مانع از شرارت‌های احتمالی صهیونیست‌ها شود.

و اگر در یک حالت بدبینانه، دیپلماسی هوشمندانه جواب نداد و این شرارت‌ها ادامه پیدا کند چطور؟

آن زمان دیگر موضوع دفاع از کشور مطرح است و همان‌طورکه گفتم و دوباره تأکید می‌کنم، تکرار شرارت و جنگ از سوی صهیونیست‌ها یا هر دشمن دیگری، دفاع مقدس دوم را شکل خواهد داد که همه آحاد مردم برای دفاع از کشور به میدان خواهند آمد. اما پیش از رسیدن به آن نقطه ما باید از دو اهرم به شکل دقیق استفاده کنیم: اول، دیپلماسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که باید با نگاه تازه، منعطف و عقلایی، تأمین منافع و امنیت ملی را محور تحرکات، تصمیمات و اقدامات خود قرار دهد و پارامتر دوم ناظر به مسئله مرجعیت رسانه‌ای است. ما باید در یک آسیب‌شناسی دوباره نگاه تازه‌ای را به مسئله رسانه و مرجعیت رسانه در کشور داشته باشیم. متأسفانه در این جنگ ۱۲روزه شاهد ضعف مرجعیت رسانه بودیم. به نحوی که بیشتر مردم خوراک خبری و تحلیلی خود را از رسانه‌های معاند فارسی‌زبان می‌گرفتند و رسانه‌های رسمی کشور با وجود آنکه انحصار خبری را در اختیار داشتند، نتوانستند آن‌گونه که باید افکار عمومی و جامعه را از نظر خبری و تحلیلی مدیریت کنند. در حالی که مخاطبان تشنه اطلاعات جدید و تحلیل‌های تازه بودند، چون رسانه‌های رسمی این مرجعیت را نداشتند، عملا افکار عمومی به سمت رسانه‌های معاند سوق پیدا کرد. خبرهای بیرونی، عمده خوراک فکری جامعه را شکل داد.

به همین واسطه شاهد بودیم که در غیاب رسانه‌های رسمی و ملی، این رسانه‌های معاند فارسی‌زبان، تشویش اذهان عمومی، نگرانی، اضطراب، دودستگی و چنددستگی یا دوقطبی‌سازی را در جنگ اخیر در جامعه ترویج دادند. اما نکته‌ای که دشمنان ما فراموش کردند، این بود که مردم با وجود انتقادها به رسانه‌های رسمی و ملی، کماکان هوشمندانه عمل کردند و معاندان نتوانستند تأثیر نهایی مدنظر خود را از طریق رسانه‌های متبوع‌شان روی افکار عمومی داشته باشند.

ولی نکته کلیدی اینجاست که این ضعف عدم مرجعیت رسانه‌ای در کشور یک تهدید بالقوه است که کماکان یک کانون خطر محسوب می‌شود. به همین دلیل من معتقدم یکی دیگر از بازسازی‌های لازم در یک نگاه آسیب‌شناسانه پس از جنگ ۱۲روزه، به احیای مرجعیت رسانه‌ای بازمی‌گردد؛ یعنی باید یک نگاه تازه و نو در مدیریت رسانه‌های رسمی و ملی به وجود آید وگرنه در صورت تداوم و تکرار شرارت‌های دشمنان ایران، چه‌بسا این خلأ و تهدید می‌تواند آثار و زیان‌های جبران‌ناپذیری را در آینده به کشور تحمیل کند. بنابراین باید هم در یک دیپلماسی هوشمند و هم در مرجعیت رسانه‌ای، محدودیت‌ها را کنار گذاشت، شفاف عمل کرد و باید نیروهای متخصص روی کار بیایند تا اعتماد ازدست‌رفته دوباره احیا شود. من دوباره تأکید می‌کنم باید یک شبکه خبری ملی، حرفه‌ای و تخصصی داشته باشیم که در مواقع حساسی مانند جنگ ۱۲روزه، مردم به آن اطمینان کنند و خوراک فکری و تحلیلی جامعه را تأمین کند تا بتواند نقشه‌های دشمن را ناکام بگذارد و درعین‌حال، اثربخشی رسانه‌های معاند را در جهت تشویش اذهان، ایجاد نگرانی، اضطراب و چنددستگی بین مردم کم‌رنگ کند.

تأکید شما روی کلیدواژه‌هایی همچون جامعه، مردم ایران و افکار عمومی این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که واقعا اکنون جامعه ایران بعد از جنگ ۱۲روزه در چه نقطه‌ای قرار دارد؛ چون طیفی معتقدند این جنگ تحمیلی متجاوزانه صهیونیست‌ها یک فضای احساسی و شعاری را در جامعه پررنگ کرده که در این فضا توجه کمتری به قرائت‌های عقلانی می‌شود. درعین‌حال، طیفی هم بر این باورند که با پررنگ‌ترشدن همین فضای احساسی، شاهد تبلور انسجام ملی و وحدت داخلی هستیم که بهترین شرایط را در جهت تغییر ریل و تغییر پارادایم به وجود آورده است. شما این فضای دوگانه و متناقض را چگونه تحلیل می‌کنید؟

به نظر من هیچ تناقضی وجود ندارد؛ چون در این جنگ ۱۲روزه، مردم ایران به خوبی و با هوشمندی عمل کردند و برخی نقشه‌های دشمنان را ناکام گذاشتند. یعنی با وجود فضای احساسی و شعاری، جامعه خیلی خوب و قوی در مقابل تجاوز و جنگ اخیر ظاهر شد و من معتقدم در یک نوسازی دیگر، باید جامعه به بطن و متن تصمیم‌گیری‌ها بازگردد تا ضمن آنکه جایگاه واقعی این مردم در مدیریت کشور احیا شود، اعتماد ازدست‌رفته ملت هم دوباره شکل بگیرد. متأسفانه یکی از مشکلات عمده در کشور ما این است زمانی که باید تصمیم بگیریم، به هر دلیلی در این قبیل موضوعات تعلل می‌کنیم. یعنی در شرایطی که ما نیاز به تصمیمات فوری داریم، یا آن را به تأخیر می‌اندازیم یا اساسا تصمیمی نمی‌گیریم و در نهایت زمانی این تصمیم اتخاذ می‌شود که دیگر فایده و سودی ندارد. واقعا یکی از ضرورت‌های آسیب‌شناسی بعد از جنگ ۱۲روزه این است که تحلیل کنیم در این وضعیت که مردم به میدان آمدند و حمایت خود را از نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند، چگونه به فوریت برای احیای جایگاه مردم و بازگشت اعتماد آنها تصمیم‌گیری کنیم؟ چه اقداماتی باید در دستور کار قرار بگیرد تا این انسجام ملی و وحدت درونی بعد از جنگ ۱۲روزه عمیق و درعین‌حال تثبیت شود؟ نه اینکه ما تصمیم‌گیری را به دلایل متعدد به تأخیر بیندازیم و در این زمینه تعلل کنیم تا زمان انتخابات بعدی یا راهپیمایی. اینجاست که مردم از این فضا و انسجام ملی دور می‌شوند. نباید جامعه تصور کند که تصمیم‌گیران فقط در مواقع حساس به آنها نیاز دارند و در زمان جنگ، انتخابات یا راهپیمایی‌ها، مردم را به بازی می‌گیریم و بعد آنها را کنار می‌گذاریم.

تناقضی در تحلیل شما وجود داشت و اگر اشتباه متوجه شدم، من را تصحیح کنید. در ابتدای مصاحبه عنوان کردید نباید تغییر پارادایم به اولویت فوری تبدیل شود و پیش‌نیاز آن نیز ضرورت آسیب‌شناسی جنگ ۱۲روزه و تعیین تکلیف عدم قطعیت‌ها و تثبیت فضای بعد از این جنگ است. اما اکنون از تصمیم‌گیری فوری در جهت بازسازی و نوسازی می‌گویید.

من تناقضی نمی‌بینم. همه این کارهایی که گفتم باید به شکل هم‌زمان انجام شود. یعنی یک اولویت‌بندی موازی در دستور کار قرار بگیرد. ما باید در بستر همین عدم قطعیت‌ها و عدم تثبیت شرایط باز یک آسیب‌شناسی از آنچه در این جنگ ۱۲روزه بر ما گذشت، داشته باشیم که خودمان را برای شرارت‌های بعدی و احتمالی صهیونیست‌ها و دیگر دشمنان آماده کنیم. ضمن آنکه نباید تأخیر و تعللی در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشیم که این فرصت به‌وجودآمده در قالب احیای انسجام ملی و وحدت درونی از دست برود. درعین‌حال، موضوع تغییر پارادایم یک تصمیم یک‌شبه، فوری و آنی نیست. به هر حال تنها چند هفته از آتش‌بس می‌گذرد و می‌توان به هر سناریویی فکر کرد. بااین‌حال، در میانه همین جنگ تحمیلی اخیر، با این انسجام ملی می‌توان یک پایه و ستون برای احیای اقتدار ملی ایجاد کرد. پس اگر به این انسجام ملی و وحدت درونی و حمایت مردم بی‌توجهی کنیم، جرقه‌ای بعد از جنگ بود که مطمئنا خاموش می‌شود. برای ماندگاری این انسجام و وحدت باید به فوریت تصمیماتی برای شنیده‌شدن خواسته‌ها، مطالبات، انتظارات و حتی انتقادات آنها داشته باشیم. منافع آنها را جزء اولویت‌ها در تصمیم‌گیری‌ها قرار بدهیم. انسجام ملی و تثبیت آن با تداوم فضای احساسی و شعار محقق نمی‌شود، بلکه با تصمیمات فوری در جهت احقاق عدالت و حمایت از مردم به وجود خواهد آمد.

ولی در لابه‌لای تحلیل شما این نکته ناگفته باقی مانده است که در میانه جنگ و بعد از آن، برخی جریانات و افراد به دنبال دوقطبی‌سازی و چنددستگی و طرح مطالباتی مانند عدم کفایت ریاست‌جمهوری و نظایر آن بودند که باعث شده...

اتفاقا در میانه جنگ و بعد از آن که ما هنوز در یک عدم تثبیت، عدم قطعیت و بلاتکلیفی قرار داریم، هرگونه موضع‌گیری در همین راستا، خیانت به کشور است. نمی‌توان در جنگ، مقام دوم کشور، دولت و قوه مجریه را به هر دلیلی و با هر توجیهی تضعیف کرد و اتفاقا در پاسخ به پرسش نخست که از ضرورت برخورد با پروژه نفوذ گفتم، در این رابطه باید توجه جدی به آن داشت؛ چون نمی‌توان وضعیت حساس و شکننده امروز کشور بعد از جنگ را نادیده گرفت و با عناوین مختلف به دنبال برخی مطالبات بود که در نهایت تضعیف کشور را به دنبال دارد. این همان پروژه نفوذ است که باعث شده بستر برای طرح این مطالبات به وجود آید وگرنه چگونه می‌توان در میانه جنگ به خود جرئت و جسارت داد و موضوع طرح عدم کفایت رئیس‌جمهور را مطرح کرد یا حملات و انتقاداتی به دولت داشت! درحالی‌که در چنین فضایی باید حمایت قاطعانه و حداکثری از دولت داشته باشیم تا کارها و امور به شکل درستی اجرا شود. درعین‌حال، باید حمایتی جدی از دستگاه دیپلماسی داشت، نه اینکه طوری عمل کنیم که باعث تضعیف وزیر امور خارجه شود. اگر بنا به مذاکره مجدد یا هر تصمیم دیگری باشد، توسط مراجع بالادستی گرفته می‌شود. پس نمی‌توان در این وضعیت به رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه حمله کرد. من معتقدم این‌دست مطالبات در راستای همان پروژه نفوذ تعریف می‌شود.

و برای سؤال آخر دوباره ارجاعی به گفته‌های قبلی داشته باشیم که تجربه آتش‌بس جنگ هشت‌ساله چه درسی برای آینده پیش‌رو بعد از جنگ ۱۲روزه دارد؟

من معتقدم این‌گونه که شما سؤال کردید نمی‌توان جنگ هشت‌ساله را با جنگ ۱۲روزه به هم ارتباط داد؛ چون همان‌طورکه پیش‌تر عنوان کردم، محور آنچه در این جنگ ۱۲روزه گذشت، به مسئله هسته‌ای ایران بازمی‌گردد که مشخصا از سال ۸۶ با ارجاع پرونده به شورای امنیت و صدور قطع‌نامه‌ها به یک بحران دیپلماتیک برای ما تبدیل شد. هرچند با برجام توانستیم به یک همکاری و موافقت بین‌المللی دست پیدا کنیم، اما آمریکا با بدعهدی از پیمان برجام خارج شد و اتفاقات بعدی و اعمال تحریم‌ها در قالب جنگ اقتصادی، بستر را برای این جنگ متجاوزانه صهیونیست‌ها فراهم کرد. بنابراین ضمن اینکه ما اکنون در یک بلاتکلیفی و عدم قطعیت قرار داریم و همان‌طورکه گفتم فعلا با یک ترک تخاصم مواجهیم که به یک آتش‌بس دائمی و پایدار تبدیل نشده است، به همین دلیل طبق تفکرات مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی باید به‌موقع هم فرمانده جنگ بود و هم فرمانده صلح و برای هر دو سناریو آمادگی داشت. من باز هم تکرار می‌کنم که تنها شباهت جنگ هشت‌ساله و ۱۲روزه در این بود که این هر دو جنگ تحمیلی بودند که در صورت تکرار شرارت‌ها و تجاوزات صهیونیست‌ها، این جنگ اخیر نیز به دفاع مقدس دوم تبدیل می‌شود. اما باید این جنگ هم به هر صورتی که هست مدیریت شود و خاتمه پیدا کند؛ چون تداوم جنگ هیچ سودی برای کشور به دنبال ندارد.

یادداشت

همبستگی ملی؛ مهم‌ترین دستاورد روزهای سخت

علیرضا رحیمی
دبیر شورای‌عالی نوجوانان و جوانان کشور

در شرایطی که کشور ما به شکلی ناگهانی با حمله نظامی رژیم صهیونیستی مواجه شد، آنچه بیش از هرچیز جلب توجه کرد، واکنش منسجم و پرصلابت ملت ایران بود. مردم از هر قشر و گروه، با هر دیدگاه سیاسی یا اجتماعی، یک‌صدا ایستادند و دفاع از وطن را به اولویت مطلق خود تبدیل کردند. این واکنش همگانی، نه صرفا از روی عاطفه، بلکه برآمده از درکی عمیق نسبت به مفهوم «امنیت ملی» و ارزش سرزمین مادری بود. در طول این بحران، چیزی فراتر از یک بسیج دفاعی اتفاق افتاد؛ جامعه‌ای که در حالت عادی ممکن است دچار اختلاف‌نظرهای سیاسی یا مدیریتی باشد، در برابر تهدید خارجی، به وحدتی بی‌سابقه رسید. این همبستگی، یک سرمایه اجتماعی عظیم است که نباید صرفا به عنوان واکنشی مقطعی دیده شود، بلکه باید آن را تبدیل به یک الگو و شیوه پایدار در اداره کشور کرد. در دنیای امروز که پیچیدگی‌های ژئوپلیتیک هر روز افزایش می‌یابد، حفظ امنیت دیگر فقط با قدرت نظامی میسر نیست. اطلاعات، زیرساخت‌ها، سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و مشارکت مردم، همگی عناصر امنیت ملی هستند. ما باید با شجاعت، ضعف‌ها و کاستی‌های خود را بشناسیم، به‌ویژه در حوزه‌های اطلاعاتی و امنیتی، و در راستای اصلاح ساختارهای ناکارآمد، گام‌های مؤثر و فوری برداریم. تهدید بیرونی، هرچند پرهزینه و ناگوار بود، اما فرصتی ایجاد کرد تا برخی واقعیت‌ها را بدون پرده ببینیم و برای اصلاح آنها اقدام کنیم. از سوی دیگر، باید توجه ویژه‌ای به گروه‌های آسیب‌پذیر داشت. جنگ و بحران، همیشه بیشترین فشار را بر دوش کسانی می‌گذارد که کمترین منابع را در اختیار دارند. چه‌بسا خانواده‌هایی که در سکوت، بار مضاعف معیشت، ناامنی و نگرانی روانی را هم‌زمان به دوش کشیدند. بازسازی کشور فقط به معنای ترمیم زیرساخت‌ها نیست، بلکه باید بازسازی اعتماد، آرامش و توان زیستی مردم، به‌ویژه اقشار کم‌برخوردار، در اولویت باشد. در این مسیر، نقش دولت کلیدی است، اما به همان اندازه، مشارکت نهادهای مردمی و تشکل‌های مدنی تعیین‌کننده خواهد بود.

ما امروز در نقطه‌ای قرار داریم که می‌توانیم از بحران، پلی برای همدلی و اصلاح بسازیم. انسجامی که در روزهای سخت شکل گرفت، نباید با پایان جنگ به حاشیه برود. بالعکس، این وحدت ملی باید به الگویی برای تعامل در زمان صلح تبدیل شود؛ الگویی برای اداره بهتر، شنیدن صداهای مختلف و رسیدن به فهم مشترک درباره منافع ملی. برای آینده‌ای بهتر، باید از هم‌اکنون برنامه‌ریزی کنیم. جوانان و نوجوانان ما شایسته آن‌اند که در کشوری امن، عادلانه و در حال پیشرفت زندگی کنند. این مهم، فقط با ادامه همبستگی، مشارکت هوشمندانه مردم و اصلاح جدی و بی‌تعارف ساختارها محقق می‌شود.

متن آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران
منطقه تهران

متن آگهی مناقصه ۱۱ – ۱۴۰۴ | نوبت اول

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران، منطقه تهران در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل و به صورت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(سامانه ستاد) تأمین نماید.

نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بالاتر از خیابان جلال آل احمد، بین کوچه یازدهم و دوازدهم، پلاک ۱۹۲۱، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، منطقه تهران، کد پستی ۱۴۳۹۷۳۳۱۱۱

شماره فراخوان در سامانه ستاد	۲۰۰۴۰۹۲۱۶۰۰۰۰۰۱۰
موضوع مناقصه	استفاده از خدمات بخش خصوصی در بخش مهندسی فرآورده‌های نفتی منطقه تهران(سرویسهای صنعتی و کنترل کیفیت مجاری عرضه).
مبلغ برآورد	مبلغ ۸۷,۹۳۲,۹۲۹,۷۹۰ ریال بر مبنای تعداد بازدید.
مبلغ تضمین	۴,۳۹۶,۶۴۶,۴۹۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضامین قابل قبول طبق آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۹۴/۰۹/۲۲ (در صورت واریز نقدی رسید وجه امور مالی منطقه در پاکت الف ارائه گردد.) *(تضامین ارائه شده توسط دو بانک پاسارگاد و سپه و کارگزاران آنها، و ارائه هر گونه چک قابل قبول نمی باشد.)
تاریخ انتشار در سامانه ستاد	ساعت ۱۳:۰۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۲.
مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد	تا ساعت ۱۷:۰۰ روز پنجشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۶.
تاریخ جلسه توجیهی	رأس ساعت ۱۰ صبح روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸.
مهلت زمانی ارسال پیشنهاد در سامانه ستاد	تا ساعت ۱۷:۰۰ روز پنجشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۰۹.
شرایط متقاضیان	رعایت و بارگذاری کلیه مفاد مندرج در متن شرایط عمومی و برگشماری در اسناد مناقصه منتشر شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت الزامی می‌باشد.
تاریخ گشایش پاکات ارزیابی کیفی	از ساعت ۸ صبح روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۱.
تاریخ گشایش پاکات الف، ب و ج	از ساعت ۹ صبح روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۹.
تاریخ اعتبار پیشنهادات	سه ماه بعد از بازگشایی پاکات نرخ.

بدیهی است کلیه فرآیندهای برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(سامانه ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه‌گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند.

*اطلاعات تماس سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس : ۱۴۵۶ دفتر ثبت نام : ۸۸۹۶۹۷۳۷-۰۲۱ و فاکس ۸۸۹۵۵۹۵۳-۰۲۱.

شناسه آگهی ۱۹۶۲۱۲۶ | روابط عمومی منطقه تهران

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH